



گونه‌های زبانی در رمان ماجراهای هاگلبری فین در متن اصلی و دو ترجمه ابراهیم گلستان و نجف دریابندری

علی دانشورکیان*

(نویسنده مسئول)

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

Email: daneshvarkiy@ut.ac.ir



نگار داوری اردکانی**

دانشیار زبان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

Email: negar.davariardakani@gmail.com



امیرحسین دانشورکیان***

کارشناس ارشد زبان‌شناسی از دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

Email: daneshvarkiy@yahoo.com



چکیده

مقاله حاضر با هدف بررسی کمی و کیفی تطابق سبکی و گونه‌های متن مبدأ و متون مقصد کتاب *ماجراهای هاگلبری فین* (۱۸۸۴) نوشته مارک توین انجام شده است. دلیل انتخاب این موضوع نادیده گرفتن گونه‌های زبانی متون انگلیسی در بسیاری از متون ترجمه‌شده موجود در بازار کتاب و دلیل انتخاب این کتاب، هم، این است که در داستان چندین گویش، لهجه و لحن مختلف به کار گرفته شده و پژوهشگر کوشیده است این گونه‌های زبانی را ابتدا در متن اصلی شناسایی و تطابق یا عدم تطابق آن‌ها را در متون ترجمه‌شده بررسی کند، آنگاه با اصول وفاداری در ترجمه تطبیق دهد و سرانجام رابطه‌ای میان عملکرد مترجمان و استقبال مخاطبان برقرار کند. در این پژوهش ابتدا متن انگلیسی و سپس متون فارسی از منظر سبک و گونه‌های به‌کاررفته تحلیل شدند. بررسی گونه‌های زبانی در ترجمه نجف دریابندری (۱۳۶۶) و ابراهیم گلستان (۱۳۲۸)، نشان می‌دهد که ترجمه گلستان بر متن اصلی منطبق‌تر است، اما برخلاف انتظار، این ترجمه دریابندری است که بیشتر مورد استقبال قرار گرفته است.

اطلاعات مقاله

تاریخ ارسال: ۱۴۰۱/۰۳/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۶

تاریخ انتشار: پاییز ۱۴۰۱

نوع مقاله: علمی پژوهشی

کلید واژگان:

ترجمه، گونه‌های زبانی، متن، شخصیت‌پردازی، لحن

شناسه دیجیتال DOI: 10.22059/JFLR.2022.343233.956

دانشور کیان، علی، داوری اردکانی، نگار و دانشور کیان، امیرحسین. (۱۴۰۱). گونه‌های زبانی در رمان ماجراهای هاگلبری فین در متن اصلی و دو ترجمه ابراهیم گلستان و نجف دریابندری. *پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی*, ۱۲ (۳), ۲۷۲-۲۸۷.
daneshvar kiyan, A., Davari Ardakani, N., & Daneshvar kiyan, A. H. (2022). Language species in the novel of Huckleberry Finn in the original text and two translations. *Journal of Foreign Language Research*, 12 (3), 272-287.

*معاون مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی و سازمان لغت‌نامه دهخدا دانشگاه تهران. معاون گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران. مدیر گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی پردیس بین‌المللی کیش دانشگاه تهران. شرکت و سخنرانی در چند سمینار ملی و بین‌المللی. دارای چندین مقاله علمی پژوهشی
**عضو کمیته علمی همایش ملی میراث فرهنگی. عضو کارگروه منابع درسی شورای علمی و برنامه ریزی گسترش زبان فارسی و ایران‌شناسی در دانشگاه‌ها. استاد مشاور علمی انجمن علمی زبان‌شناسی. شرکت و سخنرانی در چند سمینار ملی و بین‌المللی. دارای چندین مقاله علمی پژوهشی و کتاب تخصصی
***دانش‌آموخته ممتاز دوره‌های کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه علامه طباطبایی و کارشناسی ارشد از دانشگاه شهید بهشتی. ترجمه‌ی ۳۰ عنوان از بهترین و پر فروش‌ترین کتاب‌های کودک و نوجوان. رتبه ۱۱ آزمون سراسری دکترای تخصصی ۱۴۰۰. مترجم معتمد نمایشگاه‌های تخصصی بین-المللی



Language varieties in the novel *The Adventures of Huckleberry Finn* in the original text and two translations



Ali Danesvar Kiyani *

Assistant Professor in Persian Language & Literature at Tehran University, Tehran, Iran
Email: daneshvarkiyani@ut.ac.ir



Negar Davari Ardakani **

(corresponding author)

Associate Professor in Linguistics at Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
Email: negar.davariardakani@gmail.com



Amir Hossein Daneshvar Kiyani ***

Master in Linguistics from Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
Email: daneshvarkiyani@yahoo.com

ABSTRACT

The purpose of this article is to quantitatively and qualitatively examine the stylistic and genre compatibility of the source text and the target texts of the book *The Adventures of Huckleberry Finn* (1884) by Mark Twain. The reason for choosing this topic is to ignore the linguistic varieties of English texts in many translated texts available in the book market and the reason for choosing this book is that several different dialects, accents and tones are used in the story and the researcher has tried to find these linguistic varieties. First identify them in the original text and examine their compatibility or non-conformity in the translated texts, then adapt it to the principles of fidelity in translation and finally establish a relationship between the performance of the translators and the reception of the audience. In this research, first the English text and then the Persian texts were analyzed from the point of view of style and genres use. The examination of linguistic variants in Najaf Daryabandari's translation (1366) and Ibrahim Golestan's (1382) shows that Golestan's translation is more consistent with the original text, but contrary to expectations, it is Daryabandari's translation that is more popular.

ARTICLE INFO

Article history:
Received: 07 June, 2022
Accepted: 17 August, 2022
Available online:
autumn 2022

Keywords:

translation, language varieties, text, characterization, tone.

DOI: 10.22059/JFLR.2022.343233.956

daneshvar kiyani, A., Davari Ardakani, N., & Daneshvar kiyani, A. H. (2022). Language species in the novel of *Huckleberry Finn* in the original text and two translations. *Journal of Foreign Language Research*, 12 (3), 272-287.

* Vice President of International Persian Language Education Center and Dehkoda Dictionary Organization of Tehran University. Vice President of Persian Language and Literature Department of Tehran University. Director of Persian Language and Literature Department of Kish University of Tehran. Attending and lecturing at several national and international seminars. Has a several scientific research articles.

** Member of the National Conference on Cultural Heritage. Member of the Farsi and Iranian Language Planning and Planning Working Group on Universities. Professor of Scientific Advisor to the Scientific Society of Linguistics. Attending and lecturing in several national and international seminars. Has a several scientific research articles and books.

*** Excellent Bachelor of English Language and Literature Graduate from Allameh Tabataba'i University and Masters from Shahid Beheshti University. Translated 30 titles of the best and best-selling children and adolescent books. Rank 11 of the Specialized PhD Examination 1400. Translator in the International Special Exhibitions

۱. مقدمه

با گذشت بیش از صد و بیست سال از نگارش ماجراهای هاکلبری فین شاهد انواع و اقسام نقدها بر جنبه‌های مختلف آن هستیم. فرشیدورد (۱۳۶۳: پیشگفتار) می‌گوید: «ادبیات هر قومی یکی از ارکان عمده فرهنگ آن قوم است. ادبیات بدون نقد و ارزیابی پیشرفت لازم را نمی‌کند و چنان که باید راه تکامل نمی‌پوید».

دانشورکیان (۱۳۹۸: ۱۱۶) می‌گوید:

«فرهنگ شامل طبقه اجتماعی، هویت منطقه‌ای و اقلیت‌های نژادی، تعامل اجتماعی، اعتقادات و رفتار، جامعه و نهادهای سیاسی، روابط اجتماعی و چرخه زندگی، تاریخ ملی، وقایع تاریخی و درک آنها به عنوان جغرافیای ملی و هویت ملی است. فرهنگ فرازین به مسائل هنری، ادبیات، موسیقی و غیره می‌پردازد و فرهنگ بسترین به مسائل ریز اجتماعی و رفتارهای مردمان».

همتی (۱۳۹۸: ۶۸۴) می‌گوید:

«مترجم در ترجمه با دو فرهنگ متفاوت گاه با مشکلاتی روبرو می‌شود؛ در این شرایط، به عنوان واسطه میان این دو فرهنگ، باید به گونه‌ای عمل کند که از یک سو درون‌مایه و پیام متن مبدأ را انتقال دهد و از سوی دیگر مراقب باشد ترجمه متن و عناصر فرهنگی آن در تضاد و تقابل با دیدگاه فرهنگی جامعه مخاطب قرار نگیرد».

ادبیات ترجمه همواره در نگاه خوانندگان فارسی‌زبان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است و از این رو همیشه بوده‌اند مترجمانی که می‌خواستند ذوق و هنر خود را در ترجمه آثار مطرح دنیا، بیازمایند. نجفی (۱۳۶۵: ۳) می‌گوید:

«ترجمه در ایران سابقه‌ای طولانی دارد. پیش از اسلام تا آنجا که شواهد و قراین نشان می‌دهند کتاب‌های بسیاری از زبان سانسکریت و زبان‌های دیگر به‌ویژه در دوره ساسانیان ترجمه شده که متن پهلوی آن‌ها از دست رفته، اما ترجمه‌ای که از روی آن‌ها در قرن‌های بعد به زبان عربی صورت گرفته، امروز نیز موجود است»

ترجمه از زبان‌های اروپایی سابقه‌ای بیش از یک قرن دارد و به‌خصوص از اواخر دوره قاجاریان مورد توجه بسیار قرار گرفت و با توسعه امکانات چاپ و نشر، سیل ترجمه، مخصوصاً ترجمه آثار داستانی اروپایی به بازار کتاب در ایران سرازیر شد؛ به طوری که ترجمه در یک قرن اخیر ایران، چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی، به تدریج بالاترین درجه اهمیت را به دست آورده است.

تا حدود نیم قرن پیش، حفظ امانت در ترجمه به این معنی بود که عبارت زبان اصلی هرچه بیشتر به رنگ زبان فارسی در آید چنان که عناوین کتاب‌ها را بر حسب سلیقه تغییر می‌دادند و حتی اسامی فرنگی را نیز به اسامی ایرانی مبدل می‌کردند. اما از نیم قرن پیش و به‌خصوص پس از سال ۱۳۲۰ که ترجمه باز هم رونق بیشتری پیدا کرد، ارزش ترجمه را با انطباق هرچه بیشتر آن با متن اصلی می‌سنجیدند و این را حفظ سبک می‌نامیدند؛ به طوری که ترجمه کمال مطلوب، ترجمه‌ای بود که بتواند در برابر هر لفظ خارجی یک لفظ فارسی بگذارد (نجفی، همان). اوستینوف *Oustinoff* (۲۰۰۳) می‌گوید مترجم نباید فقط به جمله وفادار بماند، بلکه باید سبک نویسنده را رعایت کند. پاینده (۱۳۹۷: ۴۳) از این به عنوان متن ساختارمند یاد می‌کند که اجزای آن هماهنگ‌اند و یکدیگر را تقویت می‌کنند و تنش‌های آن رفع شده است.

هدف اصلی مقاله، بررسی کمی و کیفی تطابق سبکی و گونه‌ای متن انگلیسی کتاب *ماجراهای هاکلبری فین* نوشته مارک توین با دو متن فارسی ترجمه شده آن است. علی‌رغم وجود تقاضای روزافزون برای چاپ و مطالعه آثار ترجمه شده، مطالعات ترجمه و کاربرد زبان‌شناسی در آن، عمری طولانی در ایران ندارد. این مقاله می‌کوشد با مطالعه رمان *ماجراهای هاکلبری فین* *The Adventures of Huckleberry Finn* نوشته مارک توین *Mark Twain* و نمونه‌های ترجمه شده آن از ابراهیم گلستان (۱۳۲۸) و نجف دریابندری (۱۳۶۶)، کیفیت تطابق این ترجمه‌ها را با متن اصلی به لحاظ گونه‌های زبانی و سبکی بررسی کند و با دستیابی به راهکارهایی علمی تشخیص، تفکیک و استفاده از گونه‌های زبانی، ارتباط محکم تری میان دانش زبان‌شناسی و حوزه ترجمه برقرار شود، چرا که به اعتقاد اوستینوف

(۲۰۰۳)، نمی‌توان سهم زبان‌شناسی را در ترجمه نادیده گرفت، حال ترجمه به هر زبانی که می‌خواهد باشد.

درزی (۱۳۸۰) به نقل از اوگریدی William O'Grady و دیگران می‌گوید: گونه‌های زبانی ابزاری بنیادین در خلق ادبیات هستند که می‌توانند متن را از یک‌نواختی خارج کنند و شخصیت‌پردازی نهفته در متن اثر را هرچه بهتر به خواننده انتقال دهند. مضاف بر این، می‌توانند با ایجاد لحن‌هایی منحصر به فرد برای آدم‌های داستان، ارتباط عمیق‌تری میان آن‌ها و خواننده برقرار کنند. گونه‌های زبانی و الحان خاص در آثار بیشتر نویسندگان بنام دنیا نیز مشاهده می‌شوند، اما با نمونه‌های ارائه‌شده در این مقاله، این‌گونه استنباط می‌شود برخی مترجمان آن‌ها را نادیده می‌گیرند و با انتخاب گونه و لحنی مشخص برای متن، تمام قسمت‌های آن را به یک شیوه ترجمه می‌کنند؛ از توصیف‌ها و تعابیر راوی گرفته، تا جملات عاشقانه یکی و عبارات خشم‌آلود دیگری. بامشادی و داوری (۲۷:۱۳۹۸) می‌گویند در بیشتر پژوهش‌های انجام‌گرفته دربارهٔ رمزگردانی، «رمز» و «گونه زبانی» دو مفهوم یکسان پنداشته شده‌اند. که این برداشت از مفهوم گستردهٔ «رمز» با معنای اولیهٔ آن در نظریهٔ ارتباطی، تفاوت آشکار دارد.

نایدا (۱۹۶۴) معتقد است که یکی از جدی‌ترین مشکلاتی که مترجم با آن روبه‌روست، همسطح کردن دو زبان به لحاظ سبکی است. به اعتقاد او، واژه‌ها تنها عناصر کوچکی از گفتمان هستند و لحن و گونه‌های به‌کاررفته در متن، تأثیر بسیار بیشتری بر مخاطب خواهند گذاشت. طبقه‌بندی گونه‌های زبانی می‌تواند شامل سبک، رسمیت و... باشد. او همچنین می‌گوید عوامل ایجاد گونه‌های مختلف زبانی، در تمامی سطوح آوایی، نحوی، صرفی و سبکی نمایان هستند. دانشورکیان (۳۲:۱۳۹۸) هم می‌گویند: راه درست، آن گونهٔ دانش زبان و زبان‌شناسی است که تبیین کاملی از ساختار زبان و کاربرد آن در همهٔ سطوح ارائه کند. این سطوح عبارت است از معناشناسی یا انتظام معانی در زبان، دستور یا فرایندها و سامانه‌هایی که نشانه‌ها را در قالب جمله‌های زیبا مرتب می‌کند، واج‌شناسی و آواشناسی، ساختار متن و انسجام در کلام و کاربردشناسی یا شناخت روابط مرسوم بین ساخت‌های زبان و کاربران زبان و کاربردهای زبان.

۲. پیشینه تحقیق

ترجمه‌های گوناگون از یک اثر جهانی، علاقه‌مندان زبان مبدأ و دوستداران زبان مقصد را بر آن می‌دارد تا آن روایت‌های گوناگون را بخوانند و با معیارهای شخصی یا علمی سبب رستگاری اثر و مترجم آن شوند. رشیدی (۱۳۸۹) می‌گوید: «کیفیت ترجمه به منزلهٔ یک موضوع قابل‌بحث است و ترجمه‌پژوهان برداشت‌های متفاوتی از کیفیت دارند و بیشتر فکر می‌کنند تعریف کیفیت باید متناسب با نوع متن و اوضاع و بافت‌های گوناگون باشد و می‌افزاید: ارزشیابی ترجمه و مترجم زمینه‌ای مناسب فراهم می‌آورد تا رقابت مثبت در جهت بهبود کیفیت در ترجمه بیشتر شود». از این‌رو، کوشش این مقاله در شناسایی گونه‌های زبانی در متن اصلی و بررسی تطابق یا عدم تطابق آن‌ها در متون ترجمه‌شده و راستی‌آزمایی اصول وفاداری در ترجمه و در نهایت ایجاد رابطهٔ متکی بر اعتماد میان عملکرد مترجمان و استقبال مخاطبان، می‌تواند گامی اثربخش در جهت استانداردسازی کیفیت ترجمه در زبان فارسی باشد که معیارهای ارزیابی کیفی را در دسترس علاقه‌مندان قرار می‌دهد.

باری، در سابقهٔ ترجمه در ایران، روایت‌های گوناگون آثار جهانی کم نیست، *آنا کارنینا* از تولستوی، *صد سال تنهایی* از مارکز، *کیمیاگر* از کوئلیو، *جنایت و مکافات* از داستایوفسکی، *کورری* از ساراماگو و *محاکمه* از کافکا، نمونه‌های بارزی از ترجمه‌های چندروایی در زبان فارسی‌اند و هرچند معیارهای ارزیابی کیفیت ترجمه آن‌گونه که بایست به پژوهش نرسیده است لیکن با هم‌رسانی روش و نگاه این مقاله شاید بتوان بخشی از این کاستی را پوشاند.

آثار مارک توین غالباً سفرنامه و شرح‌حال هستند. در سال ۱۸۶۵ یکی از روزنامه‌های سان فرانسیسکو San Francisco این طنزنویس جوان و کم‌وبیش گمنام را مأمور کرد که به جزایر هاوایی Hawaii برود و گزارشی بنویسد. شهرت واقعی مارک توین با انتشار کتاب *قورباغهٔ جهندهٔ معروف ولایت کالاوراس و طرح‌های دیگر The Celebrated Jumping Frog of Calaveras County, and Other Sketches* آغاز شد. این داستان

نمونه کلاسیک طنز غربی و توانایی غریب مارک توین در ضبط زبان و لهجه عامیانه است.

دوران میان انتشار *ماجراهای تام سایر* و پایان قرن، بهترین سال‌های زندگی مارک توین بود. در این سال‌ها او در اوج آفرینش و آسایش در کنار همسر و فرزندانش به سر می‌برد و در سراسر جهان او را به‌عنوان سخن‌گوی شیرین‌زبان مردم آمریکا می‌شناختند. آثار مهم او در این دوران عبارت‌اند از *شاهزاده و گدا* (۱۸۸۱)، *زندگی در میسی‌سیپی* (۱۸۸۳)، *ماجراهای هاکلبری فین* (۱۸۸۴)، *یک آمریکایی در دربار شاه آرتور* (۱۸۸۹)، *ویلسون کله‌پوک* (۱۸۹۴) و *خاطرات شخصی ژان دارک* (۱۸۹۶). مارک توین *خاطرات شخصی ژان دارک* را مهم‌ترین اثر خود می‌دانست، ولی امروز پس از یک قرن بحث و تحقیق، حکم کم‌وبیش همه منتقدان این است که بهترین اثر مارک توین و بلکه یکی از بزرگ‌ترین آثار در سرتاسر ادبیات آمریکا رمان *نه‌چندان بی‌عیب‌ونقصی‌ست* به نام *ماجراهای هاکلبری فین*.

از رمان *ماجراهای هاکلبری فین* چهار ترجمه فارسی دیگر نیز منتشر شده است؛ به علاوه، انواع روایات کوتاه و بلند از این داستان به‌صورت فیلم و کارتون تلویزیونی نیز تولید شده است.

الف. پژوهش‌های خارجی

ارنست همینگوی *Ernest Hemingway* (۱۹۳۵) می‌گوید همه داستان‌های ادبیات مدرن آمریکا از یک کتاب نشأت گرفته‌اند و آن کتاب *ماجراهای هاکلبری فین* است. این بهترین کتابی‌ست که [آمریکا] داشته است و اصلاً نویسندگی آمریکایی از این کتاب می‌آید.

شلی فیشر فیشکین *Shelley Fisher Fishkin* (۱۹۹۴) که از منتقدان پیشرو آثار توین است ادعا می‌کند علی‌رغم اینکه خود نویسنده می‌گوید در خلق هاک از پسری به نام تام بلنکینشپ *Tom Blankenship* الهام گرفته است، هاکلبری فین در حقیقت بر اساس شخصیت و زندگی پسری سیاه‌پوست و آفریقایی‌تبار نوشته شده است. او اشاره می‌کند که توین برای اولین بار در جستاری *Essay* با نام *جیمی خوش‌مشرب Sociable Jimmy* (که در نوامبر ۱۸۷۴ در نیویورک تایمز *The New York Times* به

چاپ رسید) دربارهٔ پسری که در یکی از سخنرانی‌هایش با او آشنا شده بود نوشته است. فیشکین معتقد است این پسر نقش پررنگی در ساخته و پرداخته شدن شخصیت و البته گویش محلی هاک فین داشته است.

ویلیام دین هاوِلز *William Dean Howells*

(۱۹۹۷) مارک توین را *آبراهام لینکلن Abraham Lincoln* ادبیات آمریکا می‌نامد.

الفاظ نژادپرستانه‌ای که در متن و بطن کتاب گنجانده شده‌اند به اقتضای ادبیات زمانه‌شان بوده‌اند و هرچند تعابیری چون *کاکاسیاه* همیشه [و مخصوصاً به گوش سیاه‌پوستان] توهین‌آمیز بوده‌اند، نقدهای اخیر بیشتر و شدیدتر به این مقوله پرداخته‌اند و راش (۲۰۰۶) به این کتاب لقب اثر کلاسیک نژادپرستی داده است. مارک توین می‌دانسته که واژه‌هایی چون *کاکاسیاه* توهین‌آمیز هستند و اتفاقاً آن‌ها را از قصد و با هدفی به کار برده است. دیوید اسلون *David Sloane* (۲۰۱۴) استفاده از چنین واژه‌هایی را یک باید تاریخی قلمداد می‌کند و آن‌ها را توهین‌آمیز در نظر نمی‌گیرد. از نظر او مارک توین با استفاده از چنین کلیشه‌هایی، تصورات جامعه آمریکا را دربارهٔ سیاه‌پوستان به سخره گرفته است.

ب. پژوهش‌های داخلی

پیگیری آثار و اثرات مارک توین به محققان خارجی محدود نمی‌شود و دانشوران ایرانی بسیاری نیز پیگیر ادبیات و داستان‌های او بوده‌اند. ابراهیم گلستان (۱۳۲۸: مقدمه) نامه‌ای را از برنارد شاو *Bernard Shaw* خطاب به توین نقل می‌کند و می‌گوید: «بر من مسلم است که تاریخ‌نویسان آینده آمریکا به نوشته‌های شما [به] همان اندازه نیاز خواهند داشت که تاریخ‌نویسان فرانسه به نوشته‌های سیاسی ولتر *Voltaire* محتاج‌اند.»

گلستان (همان) می‌گوید حرف‌های توین منحصر به بیان و ستایش خوبی‌ها و خندیدن به مظاهر فساد زندگی نبود. او برای بیانش نیز نحوهٔ بیانی پیش آورد و همچنان که اندیشهٔ توین به زندگی مردم وابسته بود، نحوهٔ بیانش نیز از زبان مردم گرفته شده بود. مارک توین زبان مردم را تا درجهٔ بیان خوشایند هنرمندانه بالا برد. *ماجراهای هاکلبری فین*

روانی رود میسیسیپی *Mississippi* را دارد و روانی روح توین را. یادبودهای شیرین، دقت نظر در زندگی اجتماعی، نفرت از بدی، شوق به حادثه، دید هنرمندانه، ترس و امید، همه چون سیلان سنگین میسیسیپی می‌گذرند و گذرگاه خود را در رده‌بندی کلمه‌ها و جمله‌ها نشان می‌دهند. نجف دریابندری (۱۳۶۶: ۰۸) به نقل از اسمیت (۱۹۶۳)، نویسنده نخستین زندگی‌نامه مارک توین، می‌گوید: «[این نوع طنز] فرآورده مشخصی است که در وضع مشخصی به وجود آمد؛ در نبرد با مرز. جنگ بسیار سختی بود: جدی گرفتن همان بود و تسلیم شدن همان. زن‌ها می‌خندیدند، برای آنکه مبادا گریه کنند؛ مردها هم وقتی می‌خندیدند که دیگر نمی‌توانستند دشنام بدهند. نتیجه همان طنز غربی است. این باطراوت‌ترین و وحشی‌ترین طنز جهان است، اما در پشت آن درد و اندوه نهفته است.»

غلام‌حسین زاده (۱۳۸۱: پیشگفتار) *ماجراهای* *هاکلبری فین* را بر مبنای نظریات باختین *Bakhtin* رمانی دوگانه شامل چندصدایی *Dialogic* و تک‌صدایی *Monologic* دانسته است که در آن راوی، نویسنده و آدم‌های داستان در تعامل با یکدیگر هستند و قهرمان داستان به‌عنوان محور اصلی، آرای این آدم‌ها را به هم متصل می‌کند. امینی (۱۳۹۰) مارک توین را آخرین بازمانده از نسل نویسندگان ماجراجو می‌داند که در نیمه پایانی قرن نوزدهم زندگی کرد، سفرهای پرماجرایی را پشت سر گذاشت و بیشتر داستان‌هایش کم‌وبیش از خاطره‌ها و زندگی واقعی او مایه گرفتند. سالاری (۱۳۹۴: ۱۶۱) نیز در تحلیلی از متن انگلیسی *ماجراهای هاکلبری فین* و متون ترجمه‌شده آن به فارسی می‌گوید: جدا از اهمیت خود کتاب در فرهنگ مبدأ، آنچه به ترجمه این کتاب اهمیت بخشیده زبان راوی داستان است ... شاید یکی از دلایلی که باعث شده مترجمان مختلفی بخواهند ذوق خود را در ترجمه این اثر نشان بدهند همین چالش بزرگ ترجمه زبان غیرمعیار کتاب بوده است.

۳. روش تحقیق و بحث نظری

در این پژوهش ابتدا متن اصلی کتاب *ماجراهای هاکلبری فین* از منظر سبک و گونه‌های زبانی مورد بررسی قرار گرفت و سپس برش‌هایی تصادفی از متن کتاب انتخاب شد. در قدم بعدی بافت این برش‌ها توضیح داده شد و گویش‌ها، گونه‌ها و نکات خاصی که در آن‌ها به‌کاررفته است مشخص گشت.

سپس مابه‌ازای این برش‌ها از متون ترجمه‌شده فارسی استخراج شد و درست به همین شیوه مورد بررسی قرار گرفت و با داده‌های متن اصلی مطابقت داده شد. روش پژوهش تحلیل کیفی و کمی محتواست و ضمن مرور و مطالعه پیشینه پژوهش و کتاب‌های مرتبط با این حوزه، داده‌ها به‌صورت تصادفی و غیرتصادفی از متن کتاب اصلی به دست می‌آیند. این داده‌ها سپس از طریق مقابله با متون کتاب‌های ترجمه‌شده *ماجراهای هاکلبری فین* (۱۳۲۸) ترجمه ابراهیم گلستان و *سرگذشت هاکلبری فین* (۱۳۶۶) ترجمه نجف دریابندری تحلیل و بررسی می‌شوند.

الف. وفاداری در ترجمه

تأثیر متن اصلی رمان *ماجراهای هاکلبری فین* بر خوانندگان انگلیسی‌زبانانش بر کسی پوشیده نیست. توانمندی مارک توین در خلق تعبیر ادبی نیز انکارناپذیر است. باین‌حال، نمی‌توان انتظار داشت که صرف ترجمه دقیق کتاب، به همان تأثیر متن مبدأ منجر شود. اگر واژه‌ها چنین نقشی را ایفا نکرده‌اند، پس چه عواملی موجب ایجاد این تأثیر شده‌اند؟ اوستینوف (۲۰۰۳) مسأله ترجمه را چیزی جدا از واژگان دانسته و به نقل از سیسرون *Cicéron*، اصول ترجمه را همان‌هایی می‌داند که او در جمله مشهور خود تعیین کرده است؛ واژه به واژه نه، معنا جایگزین معنا.

وفاداری در ترجمه را می‌توان در سه سطح دغدغه‌های معنایی، فرمی و زیبایی‌شناسانه نویسنده، در نظر گرفت. گلستان (۱۳۲۸: ۱۳-۱۴) به نقل از مارک توین در پاسخ به انتقادهایی که سبک عامیانه او را «بی‌سوادانه» می‌خواندند نوشت: «من هرگز به قصد تربیت کردن طبقات تربیت‌شده نبوده‌ام، مستعد چنین کاری هم نبوده‌ام... من به اینکه بگویند هزل‌نویس است یا شاعرانه می‌نویسد، یا پرطمطراق می‌نویسد یا از این جور چیزها اعتنا نمی‌کنم. نهایت و هدف آرزوی من این است که درست و دقیق بنویسم، و بگویند درست و دقیق می‌نویسد.»

اوستینوف (۲۰۰۳) به نقل از لوماستر *Lemaistre* می‌گوید اولین نکته‌ای که باید به هنگام ترجمه ... به آن دقت کرد رعایت کامل متن و ترجمه تحت‌اللفظی آن است؛ یعنی همه نکات زبان [مبدأ] به گونه‌ای بیان شود که گویی [نویسنده] به زبان [مقصد] حرف می‌زده است. این دیدگاه مخالفانی نیز دارد و به‌عنوان مثال ونوتی (۲۰۰۸) به نقل از

شاپیرو می‌گوید متن ترجمه باید متنی باشد که انگار نه انگار ترجمه است. از سوی دیگر نابوکوف (Nabokov 1992) در مقدمه کتاب قهرمان زمانه ما *A Hero of Our Time* شدیداً با چنین طرز فکری مخالفت می‌کند و می‌گوید یک بار برای همیشه باید خود را از قید اینکه ترجمه به سهولت خوانده شود یا خواننده هنگام مطالعه حس نکند ترجمه می‌خواند رها کنیم. خواننده [متن مقصد] باید بداند که نثر [متن مبدأ] ظرافت ندارد.

ب. گونه‌های زبانی

درزی (1380) به نقل از اوگریدی William O'Grady و دیگران می‌گوید گونه زبانی *Variety* یا زبان گونه به هر شکل متمایزی از گفتار اطلاق می‌شود که یک سخن‌گو یا جمعی از سخن‌گویان به کار می‌برند. جداکننده‌های یک گونه ممکن است واجی، واژگانی، صرفی یا نحوی باشند.

هتیم و میسون (Hatim & Mason 1990) برای هر زبان، به این شکل پنج گونه زبانی تعریف می‌کنند: گونه جغرافیایی *Geographical Dialect*، گونه زمانی *Temporal Dialect*، گونه اجتماعی *Sociolect*، گونه معیار *Standard Language* و گونه شخصی *Idiolect*. برای تسهیل مقابله و بررسی تطابق گونه‌های زبانی موجود در متن انگلیسی و متون فارسی *ماجرهای هاکلبری فین* تعاریفی صرفاً مختص این مقاله ارائه می‌گردد:

در این مقاله ابتدا برش‌هایی بعضاً تصادفی از متن اصلی کتاب *ماجرهای هاکلبری فین* انتخاب و از منظر گویش، گونه‌های زبانی (گونه معیار که با توجه به شرایطی مانند طبقه اجتماعی مقبولیت همگانی پیدا می‌کند و عموماً در مطبوعات و نشر نیز به کار می‌رود. گونه محاوره‌ای که مردم در زندگی روزمره به کار می‌برند و پیرو زبان کتاب و رسانه نیست و الزاماً ارتباطی با سطح سواد یا موقعیت اجتماعی ندارد و با رسم‌الخط شکسته نوشته می‌شود) و سبک و سیاق (هلیدی Halliday) سیاق را به تفاوت‌هایی نحوی، صرفی، واژگانی گوینده در موقعیت‌های مختلف تعریف می‌کند) بررسی شده، آنگاه بافت (مواردی مانند همنشینی خاص کلمات که به استنباط‌هایی تأثیرگذار منجر می‌شود) این برش‌ها توضیح داده شده و غلط دستوری (جمله یا عبارتی است که ساختاری متناقض با آنچه ری‌موند مرفی (2012) بیان می‌کند داشته باشد)، غلط املائی (واژه‌ای که املائی متناقض با آنچه در فرهنگ لغت *ویستیر* آمده داشته باشد)،

نکات و تعبیرهای ویژه (واژه یا عبارتی که با توجه به فرهنگ لغت جزئی از زبان معیار نیست یا توهین‌آمیز، نژادپرستانه، قومی، محلی و تحت تأثیر گویش یا لهجه بخصوصی است)، عدم انسجام گونه (بافتی که در آن چندگانگی در گونه‌های زبانی مورد استفاده مشاهده شود)، ناهمخوانی متن (مواردی مانند تغییر ضمائر... که متن ترجمه‌شده را با متن اصلی متفاوت می‌سازد) و افزایش یا کاهش معنایی (مواردی که مترجم مفهومی را از متن اصلی می‌کاهد یا بدان اضافه می‌نماید) آن مشخص می‌شود آنگاه مابده‌ای این برش‌ها از دو متن ترجمه‌شده فارسی استخراج شده و درست به همین شیوه مورد بررسی قرار می‌گیرد. روش پژوهش تحلیل کیفی و کمی محتواسست.

ج. داستان کتاب

ماجرهای هاکلبری فین درست از انتهای *ماجرهای تام سایر* آغاز می‌شود. هاک و تام پول‌های آن راهزن را برداشته‌اند و اکنون دارایی‌های کلانشان را در بانک گذاشته‌اند و به زندگی‌شان ادامه می‌دهند. بیوه داگلاس هاک را به فرزندی پذیرفته و هاک از زندگی منظم و مرتب خود ناراضی است. پپ (پدر هاک) او را می‌دزدد و در کلبه آن‌سوی رودخانه سینت پیتزبورگ زندانی می‌کند هاک زندگی فلاکت‌باری در کنار پدرش دارد و سرانجام با صحنه‌سازی مرگ از کلبه فرار می‌کند و در جزیره جکسون مستقر می‌شود و با جیم آشنا می‌شود.

جیم و هاک دو نفر را از دست چند راهزن نجات می‌دهند؛ دو نفری که به‌وضوح کلاهبردار هستند. یکی‌شان وانمود می‌کند دوک انگلیس است و دیگری خود را دوفن فرانسه می‌نامد.

دوک و دوفن در ادامه دست به اقدام اسفناکی می‌زنند و جیم را به کشاورزی می‌فروشند. هاک می‌فهمد جیم را کجا نگه داشته‌اند و تصمیم می‌گیرد او را نجات بدهد.

جیم به هاک که نگران است مبادا سروکله پدرش دوباره پیدا شود می‌گوید که جنازه‌ای که در جزیره دیدند متعلق به پدر او بود و خیالش را راحت می‌کند. خاله سولی به تام پیشنهاد می‌کند هاک را به سرپرستی قبول کند، اما هاک که به شدت از این زندگی متمدنانه خسته شده است، این پیشنهاد را رد می‌کند و می‌گوید که تصمیم دارد به غرب سفر

کند. کتاب اینجا به پایان می‌رسد. هاکلبری فین Huckleberry Finn، جیم Jim، تام سایر Tom Sawyer، دوک و دوفن Duke and Dauphin، پپ Pap، بیوه داگلاس و خانوم واتسون Widow Douglas، قاضی تچر Judge Thatcher، and Miss Watson، خانواده گرینجرفورده The Grangerfords، خانواده ویلک The Wilks، سیلاس و سلی فلپس و خاله پولی محوری‌ترین آدم‌های داستان در این بخش هستند.

د. روایت، نگارش و گویش‌های کتاب

این نخستین بار است که سرتاسر یک رمان به زبان عامیانه Vernacular نوشته می‌شود. این مسأله از سویی باعث صمیمیت و خودمانی شدن متن داستان می‌شود، اما از سوی دیگر باعث می‌شود خواندنش نیازمند دقت بیشتری باشد. راوی داستان، هاک، لحنی دوستانه اما ساده‌لوحانه دارد و اصطلاحات کوچه‌بازاری و ضرب‌المثل به‌کار می‌برد. هاک تا حدی نیز ویژگی‌های راویان ناموثق (راوی ناموثق unreliable narrator روایت‌گری است که حرفش چندان سندیت ندارد و در واقع بیانگر اختلاف نظر نویسنده و راوی است. این نوع از راویان بنا به رسم معمولاً اول شخص هستند. گاهی غیرقابل اعتماد بودن راوی از همان ابتدا با یک ادعای غلط و یا اذعان او به داشتن بیماری روانی و... مشخص می‌شود، گاهی نیز ممکن است یکی از آدم‌های داستان باشد و خواننده با مطالعه داستان به حرف‌های او شک کند و گمان ببرد که حرف‌هایش سومندهانه یا نامعتبر هستند. بعضاً برای تأثیر دراماتیک ناموثق بودن راوی در انتهای داستان مشخص می‌شود و خواننده‌ای را که مدت‌هاست حرف‌های او را پذیرفته دچار تردید می‌کند و در داستان پیش از ایجاد می‌کند. بعضی وقت‌ها که مشخص نیست راوی تا چه میزان ناموثق است فضا برای تفسیرهای مختلف باز می‌شود. یکی از دسته‌بندی‌های رایج راوی ناموثق راوی ساده‌لوح است که نمونه آن را در ماجراهای هاکلبری فین می‌بینیم. درک و برداشت هاک از وقایع داستان بعضاً محدود و کودکانه است و به‌خاطر بچه بودنش دل‌سوزی زیاد می‌کند و برخورد نسبتاً بچه‌گانه‌ای با مسائل دارد.) را دارد.

نکته‌ای مهم در متن کتاب که موضوع اصلی مقاله حاضر نیز هست، این که مارک توین چند گویش خیلی خاص را برای نشان دادن تفاوت‌های فرهنگی، تحصیلی و از همه مهم‌تر جغرافیایی آدم‌های Characters داستانش انتخاب کرده است. او برای تمایز هرچه بیشتر آدم‌ها و عمق‌بخشی به شخصیت‌هایشان، شکسته‌نویسی (شکسته‌نویسی شیوه‌ای برای وارد کردن زبان گفتار به زبان نوشتار است، به این معنی که همان‌گونه که صحبت می‌کنیم می‌نویسیم؛ واژه‌ها را می‌شکنیم و به گفتار نزدیکشان می‌کنیم. طبیعتاً شکسته‌نویسی الزاماً به معنی ورود اغلاط املائی و بی‌قاعده‌نویسی نیست) کرده و در کنار زبان معیار، از گویش سیاه‌پوستان میزوری

Missouri Negro، گویش حاشیه‌نشین‌های جنوب غرب Backwoods Southwestern، گویش پایک Pike County و گویش تغییریافته پایک Modified Pike County سود برده است.

استفاده از این گویش‌ها به واقع‌گرایی و شفافیت روایی داستان کمک شایانی کرده است. شیوه گفتار هر کدام از آدم‌های داستان تا حد بسیاری متکی به جایگاه آنها در جامعه داستان است. به‌عنوان مثال، هاکلبری فین که از بدو تولد در فقر زندگی کرده و هرگز آن‌طور که باید و شاید عضوی از جامعه نبوده به‌وضوح بی‌سوادتر از تامی صحبت می‌کند که یک نوجوان سفیدپوست کتاب‌خوان است.

علی‌رغم شکسته‌نویسی‌ها و واژه‌های متفاوتی که در کلام هاکلبری فین مشاهده می‌شود، کلمات او تا حد زیادی قابل تشخیص و خواندن هستند و لهجه چندان غلیظی در آنها به گوش نمی‌خورد. در مقایسه با طرز گفتار هاک، جملات جیم به‌شدت درهم و پیچیده‌اند و گاهی برای فهم‌شان باید حتماً متن کتاب را بلند خواند. واژگان او با انگلیسی معیار و حتی عامیانه‌ای که می‌شناسیم متفاوت است. با این همه، خواننده به مرور با شیوه سخن جیم آشنا می‌شود و درک حرف‌های او برایش آسان‌تر است. نویسنده کاری می‌کند که خواننده هم درست مثل خود هاکلبری فین آشنایی با جیم را تجربه کند؛ در ابتدا عجیب و بیگانه، در ادامه آشنا و درگیرکننده.

توین همچنین عمداً از غلط‌های دیکته‌ای بسیاری در راستای متمایز کردن این گویش از دیگر گویش‌های کتاب استفاده کرده است. این گویش خاص، سطح پایین سواد و معیشت برده‌ها را به نمایش می‌گذارد. برده‌ها در زمانی که اتفاقات داستان روایت می‌شود بی‌سوادند و توین با استفاده از غلط‌های گرامری فاحش، با جابه‌جایی کلمات و گاهی حذفشان این نکته را نشان می‌دهد. استفاده از گویش سیاه‌پوستان میزوری عامدانه و در جهت هرچه دقیق‌تر نمایان کردن وضعیت جنوب آمریکا در زمان روایت اتفاقات داستان است.

توین در روایت ماجراهای هاکلبری فین از گویش حاشیه‌نشین‌های جنوب غرب نیز استفاده کرده است. این گویش آدم‌های اهل جنوب غرب را از دیگران متمایز می‌کند و بسته به اینکه دقیقاً اهل کجا هستند کمی متفاوت است.

خانواده گرینجرورد اصلی‌ترین گویشوران این گویش هستند.

۴. نتایج و بحث و بررسی

بر مبنای آنچه گفته شد، نمونه‌هایی از سر آگاهی و برخی ناخودآگاه از متن کتاب *ماجراهای هاکلبری فین* (۱۸۸۴) انتخاب شده‌اند و با مابه‌ازایشان در *هکلبری فین* (۱۳۲۸) و *سرگذشت هکلبری فین* (۱۳۶۶) از منظر گویش، گونه، غلط دستوری، غلط املائی و تعبیرات ویژه مطابقت داده شده‌اند:

گزارش نخست: دوک در حین کلاهبرداری از خانواده ویلک ادعا می‌کند همه سیاه‌پوستان اهل دزدی هستند و خدمتکار قطعاً اگر پول‌ها را ببیند آن‌ها را می‌دزدد؛ حرفی که متناقض است، چرا که خودش - و نه آن خدمتکار سیاه پوست - دزد واقعی‌ست.

توین:

“Because Mary Jane ‘ll be in mourning from this out; and first you know the nigger that does up the rooms will get an order to box these duds up and put ‘em away; and do you reckon a nigger can run across money and not borrow some of it?”

گویش: پایک گونه: محاوره‌ای غلط دستوری: - / غلط املائی: ۲ ‘ll - will / ‘em - them
تعبیر ویژه: ۲ واژه ‘nigger’ نژادپرستانه است.

دریابندری:

«چون ماری جین از حالا به بعد دیگه لباس سیاه می‌پوشه، یه وقت دیدی به این سیاهه که اتاقا رو مرتب می‌کنه گفت این پیراهنا رو بچین تو صندوق بذار کنار؛ اون وقت تو خیال می‌کنی سیاهه اگر این پولا رو ببینه ناخونک نمی‌زنه؟»

گویش: - / گونه: محاوره‌ای / غلط دستوری: - / غلط املائی: - /
تعبیر ویژه: ۱ واژه «سیاه» نژادپرستانه است.

نکته: نقل قول از مری جین مستقیم است، در صورتی که در متن اصلی غیرمستقیم آورده شده است.

گلستان:

«چون مری جین همین چند روزه لباس‌های عزاش را درمی‌آره و کاکاسیاهش را می‌فرسه بالا لباس دیگه براش

این گویش از زبان اهالی آرکنسا Arkansas نیز شنیده می‌شود. آن‌ها لهجه جنوبی غلیظی نیز دارند، اما سطح سوادشان به اندازه خانواده متمول گرینجرورد نیست؛ به این ترتیب، صحبت‌هایشان مؤلفه‌های صحبت‌های گرینجروردها را داراست، اما توین با آوردن نشانه‌هایی چون غلط‌های املائی، به سطح سواد پایین‌تر آن‌ها نیز اشاره می‌کند.

گویش پایک رایج‌ترین گویش در *ماجراهای هاکلبری فین* است. توین با استفاده از این گویش، قصد دارد طرز گفتار بیشتر سفیدپوستان جنوب را نشان بدهد. چندین آدم از جمله خود هاکلبری فین، تام سایر و خاله پولی گویشور آن هستند. توین با استفاده از این گویش، شکسته‌نویسی و غلط‌های گرامری کوچک، هاکلبری فین را به‌عنوان نوجوان سفیدپوست بی‌سوادی به خوانندگان معرفی می‌کند. هاک نخستین جمله‌اش را در کتاب با دستوری غلط آغاز می‌کند.

تام سایر نیز مانند هاک اشتباهاتی دارد اما همواره در سخنش صنعت ادبی تلمیح را مشاهده می‌کنیم و به سطح بالاتر سوادش پی می‌بریم.

مارک توین همچنین خاله پولی تام را یک زن تحصیل‌کرده جنوبی معرفی می‌کند، جملات او را با دستور صحیح می‌نویسد و با استفاده از واژگان رایج در لهجه جنوبی آن زمان، لهجه او را نیز به خواننده نشان می‌دهد. گویش دیگر گونه تغییر یافته همین گویش پایک است. دوک، دوفن، خاله سولی، عمو سیلاس و همسایه‌هایشان گویشوران آن هستند. توین با این تغییرات می‌خواهد طرز سخن گروه دیگری از سفیدپوستان جنوبی را نشان بدهد. برای مثال، دوک و دوفن تلاش می‌کنند خود را اشراف‌زاده نشان بدهند و دائماً از واژه‌های ادبی استفاده می‌کنند، اما چون استفاده‌شان از این واژه‌ها اشتباه است، عملاً به هاک [و البته خواننده کتاب] نشان می‌دهند که چیزی جز دو شارلاتان بی‌سواد نیستند. گویش خانواده فلپس نیز بسیار شبیه گویش پایک است، اما به‌خاطر سطح سواد پایین‌تر آن‌ها کمی متفاوت است.

I must –me, but she told me what she meant help other people, and look out for them all the time, and never think about myself.

گوشش: پایک / گونه: محاوره‌ای (با سیاق بی‌سواد) / غلط دستوری: ۱ غیرقابل شمارش بودن «حرف» much-many

/ تعبیر ویژه: - / غلط املائی: -

نکته: آوردن spiritual gifts در گیومه نشان می‌دهد که هاک مسأله را باور نکرده یا آن را نفهمیده است.

دریابندری:

رفتم به بیوه هم گفتم. گفت چیزی که آدم با دعا گیر می‌آورد «اجر معنوی» است. دیدم هیچ سر در نمی‌آورم، ولی بیوه برایم گفت که منظورش چیست. یعنی من باید به مردم کمک کنم و همیشه مواظب مردم باشم، هیچ وقت هم به فکر خودم نباشم.

گوشش: - / گونه: معیار / غلط دستوری: - / غلط املائی: ۲
بیوهه — بیوهه (۲) / تعبیر ویژه: - گلستان:

رفتم پهلوی بیوه و برایش تعریف کردم. به من گفت با دعا و نماز می‌شود اجر روحانی به دست آورد. سر از این حرف‌ها درآوردن از سر ما زیاد بود اما بیوه برایم تعریف کرد یعنی چه، یعنی اینکه باید به آدم‌های دیگر کمک کنم و هرچه از دستم برمی‌آید برای آدم‌های دیگر بکنم و همیشه مواظب آن‌ها باشم و هیچ وقت به فکر خود نباشم.

گوشش: - / گونه: معیار / غلط دستوری: - / غلط املائی: -
/ تعبیر ویژه: ۲ «نماز» مختص مسلمانان است.

نکته نخست: «نماز» در متن اصلی نیست و افزایش معنایی ایجاد کرده است.

نکته دوم: عبارت «اجر روحانی» در گیومه نیامده و کاهش معنایی ایجاد کرده است.

گزارش چهارم: هاک به‌خاطر کاری که با جیم کرده شرم‌نده است و می‌خواهد از او عذرخواهی کند. نکته جالب توجه طرز بیان اوست که علی‌رغم نیت خوبی که دارد، باز هم عذرخواهی از یک سیاه‌پوست را تحقیرآمیز می‌داند.

توین:

It was fifteen minutes before I could work myself up to go and humble myself to a nigger; but I done it, and I warn't ever sorry

ورداره. فکر می‌کنی اگر کاکا او مد اینجا و پول را دید یه خرده‌ش را برای خودش کش نمیره؟»

گوشش: - / گونه: محاوره‌ای / غلط دستوری: / غلط املائی: ۱
می‌فرسه: می‌فرسته / تعبیر ویژه: ۲ واژه‌های «کاکا» و «کاکاسیاه» نژادپرستانه هستند.

نکته: «را» انسجام گونه‌ای را بر هم می‌زند. «کش رفتن» کاهش معنایی ایجاد می‌کند.

گزارش دوم: بیوه داگلاس نمی‌گذارد هاک چپق بکشد که از نظر هاک به‌خاطر باورهای مذهبی‌اش است.

توین:

That is just the way with some people. They get down on a thing when they don't know nothing about it.

گوشش: پایک / گونه: محاوره‌ای (با سیاق بی‌سواد) / غلط دستوری: ۱ نفی دوگانه / غلط املائی: -

/ تعبیر ویژه: -

دریابندری:

بعضی از آدم‌ها این جوریند؛ با چیزی که اصلاً نمی‌دانند چیست بیخودی بد می‌شوند.

گوشش: - / گونه: معیار / غلط دستوری: - / غلط املائی: -
/ تعبیر ویژه: -

گلستان:

بعضی‌های این جوری‌اند. وقتی از چیزی سر در نمی‌آوردند با آن لج می‌کنند.

گوشش: - / گونه: معیار / غلط دستوری: - / غلط املائی: -
/ تعبیر ویژه: -

گزارش سوم: بیوه داگلاس در حال توضیح دادن آیاتی از کتاب مقدس برای هاک است که در ادامه داستان نقش مهمی در دوراهی‌های اخلاقی هاک ایفا می‌کند؛ هاک می‌داند کمک به جیم برای فرار کار درستی است اما از طرفی باعث ناراحتی خانم واتسون خواهد شد.

توین:

I went and told the widow about it, and she said the thing a body could get by praying for it was 'spiritual gifts.' This was too many for

I wisht I had de money, I wouldn't want no mo'."

گوش: پایک سیاه‌پوستان میزوری / گونه: محاوره‌ای (با سیاق بی‌سوادی) /

غلط دستوری: ۵ حذف 'as' و 'the', (2) Is — are
/ Owns — own,
غلط املائی: ۸ Myself - myself, en - and (2), wuth
hund'd - hundred, wisht - wish, - worth,
Mo - more, De - the
تعبیر ویژه: -

دریابندری:

خوب، عیبی نداره، جیم. تو که بالاخره دیر یا زود پولدار می‌شی.

«بله. همین حالاشم پولدارم، خوب که فکرشو می‌کنم. حالا صاحب خودم هستم، خودم هم هشتصد دلار قیمت دارم. کاش پولش تو دستم بود؛ اگه بود بیشتر از اینم نمی‌خواستم.»
گوش: - / گونه: محاوره / غلط دستوری: - / غلط املائی: ۱ خوب - خب / تعبیر ویژه: -

گلستان:

«خوب، عیبی نداره، جیم. تو که بالاخره دیر یا زود پولدار می‌شی»
«بله. همین حالاشم پولدارم، خوب که فکرشو می‌کنم. حالا صاحب خودم هستم، خودم هم هشتصد دلار قیمت دارم. کاش پولش تو دستم بود؛ اگه بود بیشتر از اینم نمی‌خواستم.»
گوش: - / گونه: محاوره / غلط دستوری: ۱ (نشانه‌های نگارشی) / غلط املائی: ۱ خوب - خب / تعبیر ویژه: -

گزارش ششم: جیم به هاک می‌گوید خشک بودن و آرامش الانش را مدیون توانایی او در خواندن نشانه‌های باران است. جیم در اوایل این فصل گفته بود که پرنده‌ها گفته‌اند باران می‌گیرد و اکنون با این جمله ارزش خرافه‌هایش را به رخ می‌کشد و همچنین بر ارزش خودش به‌عنوان همراه سفر صحنه می‌گذارد.

توین:

for it afterward, neither. I didn't do him no more mean tricks, and I wouldn't done that one if I'd 'a' knowed it would make him feel that way.

گوش: پایک / گونه: محاوره‌ای (با سیاق بی‌سوادی) / غلط دستوری: ۴ (نفی دوگانه ۲) done-do done-did
غلط املائی: ۴ warn't - weren't , afterward - ,
knowned - known , a - have, afterwards
تعبیر ویژه: ۱ واژه nigger نژادپرستانه است.

دریابندری:

پانزده دقیقه‌ای طول کشید تا توانستم خودم را راضی کنم که بروم از یک سیاه پوست عذرخواهی کنم. ولی این کار را کردم، و بعد از آن هم هرگز از این کارم پشیمان نشدم. دیگر جیم را اذیت نکردم، و اگر می‌دانستم آن قدر می‌رنجد همان بار آخر هم نمی‌کردم.

گوش: - / گونه: معیار / غلط دستوری: - / غلط املائی: - / تعبیرات خاص: -
نکته: «عذرخواهی کردن» کاهش معنایی دارد؛ اما بافت جمله تا حدی جبران‌ش کرده است.

گلستان:

پانزده دقیقه طول کشید تا خودم را راضی کردم که بروم و پیش یک سیاه خودم را کوچک کنم اما رفتم و کردم و از این کار هم هرگز پشیمان نشدم. دیگر هم سر او کلاه نگذاشتم و اگر می‌دانستم این همه پکر می‌شود همان یک بار را هم نمی‌کردم.
گوش: - / گونه: معیار / غلط دستوری: - / غلط املائی: - / تعبیر ویژه: ۱ واژه «سیاه» نژادپرستانه است.

گزارش پنجم: جیم از آزادی خوشحال است و حس خوشحالی‌اش را با همان مفهوم برده‌داری بیان می‌کند، اما به این هم فکر می‌کند که آزادی بدون پول فایده زیادی ندارد.
توین:

“Well, it's all right anyway, Jim, long as you're going to be rich again some time or other.”

“Yes; en I's rich now, come to look at it. I owns myself, en I's wuth eight hund'd dollars.”

“Well, you wouldn’t ‘a’ been here ‘f it hadn’t ‘a’ ben for Jim. You’d ‘a’ ben down dah in de woods widout any dinner, en gittin’ mos’ drowned, too; dat you would, honey. Chickens knows when it’s gwyne to rain, en so do de birds, chile.”

گوش: سیاه‌پوستان میزوری / گونه: محاوره‌ای (با سیاق بی‌سواد) /

غلط دستوری: ۲ / Knows - Drowned - drowned / know,

غلط املائی: ۱۵ - f - if / Ben - been, A - have (3), en - and (2), widout - without, dah - under, Mos’ - most, Gittin’ - getting, chile - child, De - the, gwyne - going, dat - that,

تعبیر ویژه: -

دریابندری:

«خوب، اگه جیم نبود که این جا نبود. همون پائین تو جنگل بودی، نه ناهاری داشتی نه چیزی، الان تو آب غرق شده بودی؛ آره جانم، مرغا می‌دونن کی بارون می‌گیره، پرنده‌ها هم همین طور، بچه‌جان.»

گوش: - / گونه: محاوره / غلط دستوری: - / غلط املائی:

۱ خوب - خب / تعبیر ویژه: -

گلستان:

«اگه نه به خاطر جیم بود تو کجا بودی و اینجا کجا؟ الان توی بیشه بودی و شام نداشتی و خیس خیس هم شده بودی، عزیزجون. مرغا می‌دونن چه وقت بارون می‌آد، همین جور هم پرنده‌ها، بچه‌جون.»

گوش: جنوبی / گونه: محاوره / غلط دستوری: - / غلط املائی: - / تعبیر ویژه: -

گزارش هفتم: پپ باز هم از دولت بد می‌گوید. اینجا دارد توضیح می‌دهد چرا وظیفه شهروندی‌اش را به جا نیاورده و رأی نمی‌دهد. او فکر می‌کند حق رأی از او سلب شده، اما منطقیش یک مشکل بزرگ دارد. او فکر می‌کند که چون نظر دولت به نظرش نزدیک نیست دیگر نمی‌شود (و نباید) کاری کرد. نکته جالب این است که او با رأی ندادن در واقع رأی‌ش را در اختیار همین کسانی (سیاه‌پوستان) قرار می‌دهد که از آن‌ها نفرت دارد. این منطقی در واقع برای نشان دادن تناقض

موجود در اساس نژادپرستی مطرح شده است و نه انتقاد از دولت.

توین:

Why, they said he couldn’t be sold till he’d been in the state six months, and he hadn’t been there that long yet. There, now — that’s a specimen. They call that a govment that can’t sell a free nigger till he’s been in the state six months...”

گوش: پایک / گونه: محاوره‌ای (با سیاق بی‌سواد) / غلط دستوری: ۲ دو بار حذف ‘for’ / غلط املائی: ۱ govment - / government -

تعبیر ویژه: واژه ‘nigger’ نژادپرستانه است.

دریابندری:

«...گفتن تا شش ماه تو این ایالت نمونه باشه نمی‌شه خریدش. هنوزم شیش ماهش تموم نشده. بفرما، این هم از اوضاع این مملکت. اون وقت اسم اینو می‌ذارن دولت، که نمی‌تونه یه سیاه آزاد رو بفروشه، آلا اینکه شیش ماه تو این ایالت مونه باشه... (دریابندری، ۱۳۶۶: ۶۵-۶۳)

گوش: - / گونه: محاوره / غلط دستوری: - / غلط املائی: - / تعبیر ویژه: -

نکته: «شش» و «شیش» انسجام گونه‌ای را برهم می‌زنند.

گلستان:

این بند در ترجمه گلستان نیست.

گزارش هشتم: هاگلبری فین از خیال‌پردازی‌های تام سایر به ستوه می‌آید و با او بحث می‌کند. تام مخالفت هاک را به پای بی‌سوادی‌اش می‌گذارد و می‌گوید اگر کتاب‌خوان تر بود بحث راه نمی‌انداخت. هاک قانع نمی‌شود و دائماً به شباهت‌های بین منطق تام و استدلال‌های مذهبی فکر می‌کند و حتی در ادامه داستان نیز می‌گوید بعضی از حرف‌های تام او را یاد آموزه‌های یک‌شنبه‌ها [در کلیسا] می‌اندازند.

توین:

I didn’t see no di’monds, and I told Tom “ Sawyer so. He said there was loads of them there, anyway; and he said there was A-rabs there, too, and elephants and things. I said, why couldn’t we see them, then? He said if I warn’t so ignorant, but had read a book called Don Quixote, I would know without asking.”

گویش: پایک / گونه: محاوره‌ای (با سیاق بی‌سوادی) / غلط دستوری: ۳ نفی دوگانه، عدم تطابق ضمیر و فعل، ایتالیک نبودن نام کتاب / غلط املائی: ۳ diamond-di'mond warn't - weren't, A-rab - Arab, تعبیر ویژه: ۱ واژه 'a-rab' نژادپرستانه است.

دریابندری:

من نه الماسی دیدم نه چیزی. به تام سایر گفتم پس کو الماس، گفت خیالت راحت باشد چندین بار شتر الماس هست. گفت عرب و فیل و چیزهای دیگر هم هست. گفتم پس چرا ما نمی‌بینیم؟ گفت تو اگر این قدر بیسواد نبودی و کتابی به اسم «دون کیشوت» را خوانده بودی خودت می‌دانستی و بیخود سؤال نمی‌کردی (دریابندری، ۱۳۶۶: ۴۹-۴۸)

گویش: - / گونه: محاوره / غلط دستوری: ۲ علائم نگارشی (؟) (؛) / غلط املائی: - /

تعبیر ویژه: ۱ به نظر می‌رسد «کو الماس» تحت تأثیر لهجه مترجم جمله‌بندی شده باشد.

نکته ۱: هم‌رده کردن «فیل» و «عرب» بار تعبیر ویژه‌ی نژادپرستانه کتاب را جبران کرده است.

نکته ۲: «باشد» انسجام گونه‌ای را برهم زده است.

نکته ۳: ضمیر «من» به «تو» تغییر کرده است.

گلستان:

«من الماسی ندیدم و به تام سایر گفتم. تام گفت به‌هرحال آنجا بار بار الماس ریخته بود، و عرب‌ها هم بودند و حتی فیل و شتر هم بود. من گفتم پس چرا نمی‌توانستیم ببینیمشان. جوابم داد عیب کار اینجاست که تو بی‌سوادی والا اگر کتاب دون کیشوت را خوانده بودی خودت می‌دانستی و سؤال نمی‌کردی (گلستان، ۱۳۲۸: ۳۳-۳۲)

گویش: - / گونه: معیار، به سیاق بی‌سوادی / غلط دستوری: ۲ علائم نگارشی (؟) (؛)، ایتالیک نبودن نام کتاب / غلط املائی: ۲ والا - وَاَلَا، سؤال - سؤال / تعبیر ویژه: ۱ به نظر می‌رسد «جوابم داد» تحت تأثیر لهجه مترجم جمله‌بندی شده باشد. نکته: «شتر» افزایش معنایی دارد.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری:

در دو بخش پایانی ابتدا شرح‌حالی از مارک توین، فضای حاکم بر داستان، معرفی آدم‌های آن، شیوه نگارش و سبک کتاب معرفی شد. سپس چندین نمونه بعضاً تصادفی و بعضاً غیرتصادفی از متن اصلی انتخاب و با توجه به مؤلفه‌های پیش-گفته بررسی شد. سپس مابه‌ازای این نمونه‌ها در متون ترجمه‌شده فارسی به همان ترتیب بررسی شد. نتیجه بررسی در جدول پیوست ارائه و تحلیل می‌شود.

اوستینوف (۲۰۰۳) به نقل از مونتسکیو Montesquieu می‌نویسد ترجمه مانند سکه مسی است که ارزش سکه طلا را دارد ولی همیشه ضعیف‌تر و بی‌کیفیت‌تر از اصل است. این مسأله عیناً در بررسی تطبیقی متن انگلیسی ماجراهای هاکلبری فین و متون ترجمه‌شده فارسی آن مشاهده شد؛ هیچ‌یک از دو متن به لحاظ کاربرد و استفاده گونه‌های زبانی به متن اصلی نزدیک نیستند، اما در جامعه ادبی ایران ارزشی مشابه پیدا کرده‌اند. با توجه این موارد و نتایج به‌دست‌آمده پاسخ به فرضیه‌های پژوهش به‌صورت زیر ارائه می‌شوند:

پرسش و فرضیه نخست

پرسش: در کتاب ماجراهای هاکلبری فین کدام گونه‌های زبانی یا چه اهدافی به‌کاررفته‌اند؟

فرضیه: تقریباً کل کتاب به گونه محاوره‌ای نوشته شده است با هدف توصیف و به تصویر کشیدن هرچه دقیق‌تر جامعه داستان. از سوی دیگر، می‌توان اصرار نویسنده بر استفاده از گونه‌های زبانی مختلف را به پای دقتش در توصیف آدم‌های داستان و شخصیت‌پردازی‌شان نوشت. توین می‌خواسته سیاه پوست‌ها مانند سیاه‌پوست‌ها حرف بزنند، بی‌سوادها مثل بی‌سوادها و... این گونه‌های زبانی کاملاً حساب‌شده و نتیجه‌آشنایی شخصی و تحقیقات نویسنده‌اند.

محک: بر اساس بررسی‌های انجام‌شده و طبق اظهارات خود نویسنده، گونه‌ها و گویش‌های ذکرشده در متن کتاب موجود

بوده و به کاررفته بودند. به این ترتیب، فرضیه نخست تأیید می‌شود.

پرسش و فرضیه دوم

پرسش: کدام یک از دو متن ترجمه شده با متن اصلی منطبق‌تر است؟

فرضیه: تقریباً هر دو مترجم کوشیده‌اند از فارسی معیار فاصله بگیرند و متنی شبیه به گفتار ارائه کنند. این طور به نظر می‌رسد که دریا بندری در این تصمیم موفق‌تر عمل کرده و درک وسیع‌تر و عمیق‌تری از گونه محاوره‌ای زبان فارسی داشته است، زیرا ترجمه گلستان رسمی‌تر و نزدیک‌تر به فارسی معیار به نظر می‌آید.

محک: همان‌طور که مشاهده شد، بر اساس تحلیل‌های صورت گرفته در گزارش‌ها، متن هیچ‌یک از دو مترجم تطابق چندانی با متن انگلیسی ندارد، اما به صورت نسبی، ترجمه ابراهیم گلستان وفادارتر و تا حدی نزدیک‌تر به متن اصلی دیده می‌شود.

محک: براین اساس فرضیه دوم رد می‌شود.

پرسش و فرضیه سوم

پرسش: این تطابق یا عدم تطابق چه تأثیری بر استقبال مخاطبان داشته است؟

فرضیه: از منظر شمارگان، ترجمه دریا بندری عملکرد موفق‌تری در بازار کتاب داشته است و همچنین در محافل ادبی نیز، مورد تحسین متخصصان حوزه ترجمه قرار گرفته است.

محک: با تجزیه و تحلیل ارائه شده در گزارش‌ها، مشاهده می‌شود که ترجمه ابراهیم گلستان علی‌رغم تطابق بیشتر با متن اصلی، نسبت به ترجمه دریا بندری با استقبال کمتری مواجه شده است. به این ترتیب، فرضیه سوم رد می‌شود.

روایت مارک توین

گوش پایک ۲۳

گوش پایک تغییر یافته ۱

گونه معیار (با سیاق ادبی) ۱

گونه معیار (با سیاق بی‌سوادی)

گوش سیاه‌پوستان میزوری ۶

گونه معیار

گونه محاوره‌ای ۹

گونه محاوره‌ای (با سیاق بی‌سوادی) ۲۲

غلط دستوری ۶۳

غلط املائی ۱۲۸

تعبیرات خاص ۱۰

ترجمه نجف دریا بندری

گونه معیار ۱۱

گونه معیار (با سیاق بی‌سوادی) ۲

گونه محاوره‌ای ۱۹

مشکل انسجام گونه‌ای ۱۲

غلط دستوری ۵

غلط املائی ۱۷

تعبیرات خاص ۱۲

تغییرات دستوری ۳

افزایش معنایی ۳

کاهش معنایی ۷

مشکل معنایی ۱

مشکل معادل ۳

ترجمه ابراهیم گلستان

گوش جنوبی ۱

گونه معیار ۱۲

گونه معیار (با سیاق ادبی) ۳

گونه معیار (با سیاق بی‌سوادی) ۱

گونه محاوره‌ای ۱۳

گونه محاوره‌ای (با سیاق بی‌سوادی) ۲

مشکل انسجام گونه‌ای ۱۴

غلط دستوری ۱۴

غلط املائی ۷

تعبیرات خاص ۱۵

افزایش معنایی ۳

کاهش معنایی ۵

مشکل معنایی ۱

مشکل معادل ۵

ترجمه نشده ۲

باتوجه به بررسی‌هایی که صورت گرفت و برآورد کلی از جدول، این‌گونه به نظر می‌رسد که هیچ‌کدام از دو مترجم به لحاظ وفاداری به متن حتی نزدیک به متن مارک توین نیستند. باین‌حال، ابراهیم گلستان در موارد بیشتری به توین نزدیک شده است و باتوجه به مؤلفه‌های ذکرشده از جمله گونه‌های معیار، غلط دستوری، تعبیرات خاص و ... عملکرد بهتری داشته است.

پیش از این گفته شد که مارک توین چند گویش خیلی خاص را برای نشان دادن تفاوت‌های فرهنگی، تحصیلی و از همه مهم‌تر جغرافیایی آدم‌های داستانش انتخاب کرده است. او برای تمایز هرچه بیشتر آدم‌ها و عمق‌بخشی به شخصیت‌هایشان، شکسته‌نویسی کرده و از چهار گویش متفاوت بهره برده است. استفاده از این گویش‌ها به واقع‌گرایی و شفافیت روایی داستان کمک شایانی کرده است. شیوه صحبت هرکدام از آدم‌ها تا حد بسیاری متکی به جایگاه او در جامعه داستان است. توین می‌کوشد جامعه، ثروت و شرایط زندگی افراد را در تقابل با تمایلات شخصی و ویژگی‌های نژادی آن‌ها قرار دهد.

در اینجا می‌توان گفت درخشان‌ترین پیامد این پژوهش، توجه‌دادن نویسندگان و مترجمان فارسی‌زبان به هنجارهای نویسندگی است و هدایت ایشان به درک درست از نقشی که دانش زبان و زبان‌شناسی در پیدایش شاهکارهای زبانی ادبی بشر دارد.

باری، سخن ابراهیم گلستان (۱۳۲۸) که می‌گفت قصدش از ترجمه چنین کتابی صرفاً نقل‌قصه‌ای به فارسی نبوده است و کوشیده که درک و نحوه بیان مارک توین را با خلوص و دقت و نیز آهنگ و سیلانی مناسب به فارسی در آورد، صحیح از آب در آمده است. از سوی دیگر نمی‌توان فاصله زمانی انتشار این دو نسخه ترجمه‌شده را نیز نادیده گرفت. خوب است در نظر داشته باشیم که دریاوندی ترجمه‌اش را در سال ۱۳۶۶ و سی‌وهشت سال پس از گلستان

که در سال ۱۳۲۸ انجام داده است به چاپ رسانده و طبیعی‌تر به نظر می‌رسید که اشتباهات گلستان را شناسایی و اصلاح کرده باشد.

منابع

۱. امینی، مریم (۱۳۹۰). سمبلیسم در ماجراهای هاکلبری فین، تهران، همشهری آنلاین
۲. اوستینوف، میشل (۲۰۰۳). ترجمه، ترجمه فاطمه میرزا ابراهیم تهرانی (۱۳۹۰)، تهران، نشر قطره
۳. اوگریدی، ویلیام و دیگران (۱۳۸۰). درآمدی بر زبان‌شناسی معاصر (جلد اول)، ترجمه علی درزی، تهران، سمت
۴. بامشادی، پارسا و داوری اردکانی، نگار (۱۳۹۸)، «رمزگردانی و ارتباط آن با دیگر پدیده‌های حاصل از برخورد زبانی»، پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، دوره ۹ شماره ۱ صفحه ۵۲-۲۵
۵. پاینده، حسین (۱۳۹۷) نظریه و نقد ادبی (جلد اول)، تهران، سمت
۶. توین، مارک (۱۳۹۳) هکلبری فین، ترجمه ابراهیم گلستان، تهران. نشر کلاغ
۷. توین، مارک (۱۳۹۸) سرگذشت هکلبری فین، ترجمه نجف دریاوندی، چاپ چهارم، تهران، نشر خوارزمی
۸. دانشورکیان، علی، ابوالحسنی چیمه، زهرا، حسینی لرگانی، مریم (۱۳۹۸)، بررسی تطبیقی مضامین فرهنگی در کتاب‌های آموزش زبان فارسی، زبان فارسی و گویش‌های ایرانی، دوره ۴، شماره ۱ شماره پیاپی ۷، فروردین ۱۳۹۸ صفحه ۱۲۸-۱۱۳
۹. دانشورکیان، علی، امامی، سهیلا، دانشورکیان، امیرحسین (۱۳۹۸)، بیان هنری در ساخت غزل سعدی، کیمیای هنر، دوره ۸، شماره ۳۱ صفحه ۳۳-۱۹

10. Murphy, Raymond (2012). *English Grammar in Use*, Cambridge University Press, United Kingdom.

11. Nida, Eugene (1964). *Toward a Science of Translating*, Brill, United Kingdom.

12. Rush, Sharon (2006). Huck Finn's "Hidden" Lessons: Teaching and Learning Across the Color Line, Rowman & Littlefield, United States.

13. Sloane, David (2014). *The N-Word in Adventures of Huckleberry Finn Reconsidered*, The Mark Twain Annual, Volume 12, Pages 70—82, Penn State University Press, United States.

14. Smith, Henry Nash (1963). *Mark Twain: A Collection of Critical Essays*, Prentice-Hall, United States.

15. Twain, Mark (1903). *The Adventures of Huckleberry Finn*, Harper & Brothers, United States.

16. Valkeakari, Tuire (2006). *Huck, Twain, and the Freedman's Shackles: Struggling with Huckleberry Finn Today*, Volume 20, Number 2, Pages 29—43, AEDEAN: Asociación Española de Estudios Anglo-Americanos, Spain.

17. Venuti, Lawrence (2008). *The Translator's Invisibility: A History of Translation*, Routledge, United Kingdom.

18. Wechsler, Robert (1998). *Performing Without a Stage; The Art of Literary Translation*, Catbird Press, United Kingdom.

۱۰. رشیدی، ناصر، فرزانه، شهین، ارزیابی و مقایسه ترجمه-

های فارسی رمان شاهزاده و گدا، *دوفصلنامه علمی*

پژوهشی زبان‌پژوهی، سال دوم، شماره ۳، پائیز و زمستان

۱۳۸۹، صفحه ۱۰۵-۵۷.

۱۱. سالاری، زهرا (۱۳۹۴). ماجراهای هاکلبری فین، *فصل*

نامه‌ی مترجم، سال ۲۴، شماره ۵۶، صفحه ۱۶۶-۱۶۱

۱۲. فرشیدورد، خسرو (۱۳۶۳). *درباره ادبیات و نقد ادبی*

(جلد اول)، تهران: انتشارات امیر کبیر

۱۳. همتی، محمدعلی، افضل‌ی، فرشته (۱۴۰۰). بررسی

راهکارهای زیباشناسی کلامی در ترجمه زبان ممنوعه رمان

«بدایه و نهایت نجیب محفوظ»، *پژوهش‌های زبان‌شناختی در*

زبان‌های خارجی، دوره ۱۱ شماره ۴ صفحه ۶۹۶-۶۸۲

۱۴. نجفی، ابوالحسن (۱۳۶۵). *برگزیده‌ی مقاله‌های نشر*

دانش (۳): درباره ترجمه، تهران، مرکز نشر دانشگاهی

1. Fisher Fishkin, Shelley (1994). *Was Huck black? Mark Twain and African-American voices*. Oxford University Press.

2. Gholamhosseinzadeh, Gharib-Reza (2002). *The dialogic and monologic worlds in Huckleberry Finn: A reading in the mirror of Mikhail Bakhtin's dialogism*. Shiraz University Press.

3. Halliday, Michael (1964). *The linguistic sciences and language teaching*. Longman.

4. Hatim, Basil & Mason, Ian (1990). *Discourse and the translator*. Longman.

5. Hemingway, Ernest (1935). *Green Hills of Africa*, Charles Scribner's Sons, United States.

6. Howells, William Dean (1997). *My Mark Twain*, Dover Publications, United States.

7. Lermontov, Mikhail (1992). *A Hero of Our Time*, translated by Vladimir Nabokov, Everyman's Library, United Kingdom.

8. Merriam-Webster Online Dictionary <<https://www.merriam-webster.com>>

9. Mounin, Georges (1976). *Les Problèmes Théoriques de la Traduction*, Gallimard, France.